

کودک و ...



<p>از همان ماههای اول زندگی بویژه از سه ماهگی به بعد، کودک دارای اندیشه های خاص خود است ، او با حرکات و نگاههای عمیق خود سعی در کشف و درک اشیاء مورد دیدش دارد. روی این اصل روز بروز به تقویت اندیشه خود می پردازد تا سرانجام به کشف یک سری اشکال مجهول در محدوده دید خویش نایل می گردد. اولین شکلی که کودک می تواند کشف کند و آن را بخوبی در اندیشه اش جای دهد سیمای مهربان مادر است پس از آن به درک اشکال و اشیاء دیگر می پردازد. روی این اصل والدین می توانند با کمک اسباب بازی و اشیاء موجود در اطراف کودک به تربیت و تقویت قوای تخیله فرزند خویش بپردازند. قوای فکری کودک در تشخیص اصرا و اشیاء موجود در اطرافش در سن قبل از ۱۸ ماهگی کسه دوران نوزادی اش نامیده می شود بایستی کاملاً" تقویت شود. برای انجسام این امر والدین و مربیان بایستی از همان روزهای نخست زندگی کودک به تربیت روحی و جسمی او روی اصول صحیح تربیتی بپردازند و با این نیت که کودک یک انسان متفکر است باید فکر و اندیشه او را تقویت نمود. برای</p>	<p>بشر و محدود کردن او به رعایت قسوانین و مقررات دست و پاگیر از همان لحظه اول زندگی اش آغاز می گردد، بناچار پایبند یک سری نظم و انضباط ویژه شخصی و اجتماعی اش می شود. بگمان من بیشتر فریادهای مظلومانه یک کودک در ابتداء زندگی بخاطر در بند کشیدنش در زندان اعترادی یعنی همان قنطاق و نظایر آن می باشد. او با زبان بی زبانی فریاد می کشد که: پدر، مادر، آخر من چه کنای کرده ام که اینگونه باید در بند اسیر باشم." و پدر و مادر طبق یک سری عادات و سنی که از نیاکان خویش به ارث برده اند با عمل خود به او پاسخ می دهند که این قانون زندگی است و گناه نیست ، تا بوده همین بوده و خواهد بود و کودک بی گناه آنقدر ناله می کند فریاد می کشد تا از حال رفته و از فرط خستگی به خواب عمیقی فرو می رود. او بهرور با این وضع ناخواسته عادت می کند. براستی نمی دانم شاید فرزندان اولیه که برهنه بدنیا می آمده اند و برهنه می زیستند از فرزندان کنسویی خوشبخت تر بوده اند، صد درصد چنین بوده است.</p>	<p>کودک و تربیتش</p> <p>در یکی از افسانه های کهن آمده است که مادری با کودک، یکساله خود بنزد خردمندی رفت و سؤال کرد: بمن بگوئید از چه سنی بایستی تربیت فرزندم را شروع کنم؟ مرد دانشمند پرسید فرزند شما چه سنی دارد؟ مادر جواب داد: یکسال. دانشمند گفت: شما در مورد تربیت فرزند خود درست ۱۲ ماه دیر کرده اید.</p> <p>پس در اینصورت تربیت کودک از همان لحظه نخست حیاتش باید آغاز گردد. بانکرش به این مهم لازم است سجدانه در امر تعلیم و تربیت نونهالان کوشا باشیم و آنچه قبل از هر چیز بایستی بدان توجه شود این است که پرورش صحیح کودک در آغاز از اهمیت بسیار ویژه ای برخوردار است. روی این اصل تربیت فرزندان مهمترین برنامه حیات والدین را تشکیل میدهد زیرا کودکان امروزی ما سازندگان آینده و تاریخ سازان فردای روزگار خواهند بود.</p> <p>کودک و اسارتش</p>
<p>کودک و اندیشه اش</p>	<p>فرزند انسانی آزاده بدنیا می آید ولی از آنجائیکه اسارت</p>	

انجام این امر لازم است او راه حرکت و ادانت نا نواند از نیروی نهفته خود استفاده نماید، گوش و چشم خود را بکار بیندازد و با دنیای خارج مربوط شود و احتیاج و ادارش کند که برای رفع نیازهای خود از فکر و استعداد خویش مدد بگیرد و درباره هر چیزی فکر کند و آنها را مورد آزمایش قرار دهد و نتیجه اینکه تمام این عوامل در رشد و تکامل کودک مؤثر است.

کودک و عواطفش

کودک از عواطف بسیار حساس و بی آلاشی برخوردار است روی این اصل با کوچکترین حرکت نابخشایی از سوی والدین و یا اطرافیان، روح لطیفش آزرده می گردد. تقویت عواطف کودک توسط مهر و محبت مادر بوجود می آید به همین جهت است که هیچ دایه ای قادر نیست همانند مادر حقیقی عواطف کودک را بارور سازد. در اینصورت مادران برای بزرگ کردن فرزندان خویش از اصالت ویژه‌ای باید برخوردار باشند. تقویت عواطف کودک بایستی از مسیر تربیتی صحیحی آغاز گردد. زیرا محبت بیش از حد در مسیر زندگی آینده کودک را به ابتدال می کشد و نیز اولین ننبیه در باره کودک بار بدگمانی

و کینه را در قلب کوچکش می‌باشد روی این اصل سه‌گفته ژان پیازه " اگر عملی نفرت انگیز در این جهان یافت شود کینه و جدان آدمی را ناراحت سازد بد رفتاری و خشونت با کودک بی گناه که قدرت دفاع از خود را ندارد، نفرت انگیز تر بیسن اعمال بشمار می رود. "

کودک و والدینش

ناگفته پیداست که پدر و مادر بزرگترین نقش را در رابطه با تعلیم و تربیت کودک از لحاظ روحی و جسمی به عهده دارند برای این منظور بایستی اوقات زندگی کودک بیشتر در کانون گرم خانواده سپری شود ولی باعث تأسف و تاءثر است که در بعضی موارد به علت ناهماهنگ بودن اخلاق و رفتار والدین زندگی شیرین کودک بکلی تباہ می‌شود و از او که یک فرشته بی گناه و عاری از هرگونه خصلت غیر



انسانی است فردی ساخته می - شود که از بزرگترین جنایتهای زمان خویش روگردان نمی شود .

زمانی که پدر و مادر درحضور کودک با یکدیگر نزاع و پرخاش کنند ، روح حساس فرزند کرفسار و حشمتی عمیق می شود و در نتیجه احساس می کند که در زندگی ایستنی ندارد و این احساس عدم ایمنی باعث ترسهای روحی و روانی او در دوران زندگیست می شود .

یکی از اصول مهم تربیتی روابط عاطفی بین کودک و پدر و مادر یا بزرگسالان است ، زیرا هر یک بنوبه خویش نقش بزرگی در سازندگی شخصیت کودک دارند . اگر اصول تربیتی برپایه

درستی در محیط خانواده استوار نباشد بدون تردید ناهنجاری در رفتار و اخلاق او بوجود خواهد آمد .

بسیاری از خانواده های ثروتمند و باصطلاح متمددن امروزی که دارای همه جور امکانات مالی می باشند بدین خاطر که زندگیشان دستخوش ناراحتی نگردد و در نتیجه آزادی بیشتری برای خوشگذرانی خویش داشته باشند ، تربیت و مراقبت کودکان بی گناه خویش را بدست فراموشی می سپارند . بعضی دیگر عقیده دارند که سروکله زدن با کودکان

امر ضروری نیست ، زیرا معتقدند که او باید روی فکر خودش بررک شود .

کودگانی که از ناز و نوازش و محبت والدین خویش محروم بوده اند و عواطف آنان لکد مال

فرریدان حاطی در اشتباه محض می باشند زیرا آنها بدون قضاوت صحیح فرریدان معصوم را کناهاکار می دانند . در صورتیکه آنان فرشکار بی کناهی بوده اند که هرچه از والدین و اطرافیان خود



تعلیم کرفته اند پس می دهند . در غالب اوقات والدین چیزی را که به کودکانشان نداده اند از آنها مطالبه می کنند ، زیرا آنها در تربیت کودکان خود اهمال ورزیده اند و آنها را به حال خود رها کرده اند و اکنون که این درخت بارور میوه تلخ داده است اره بدست کرفته و او را از ریشه قطع می کنند .

کودک و تربیت مجددش

تربیت مجدد و تغییر در کالبد

لطفاً ورق بزنید

کردیده است مانند بسک چوب خشک و بی عاطفه وارد اجتماع می شوند در نتیجه این گونه کسب ودهای عاطفی با دزدی و ولگردی و آلودگیهای جنسی آینه شوم و نکبت باری برای اجتماع خود فراهم ساخته و درهای زندانهارابه روی خویش می کشایند . جنایتکاران و سقوط کرده های تاریخ از بیس خانواده هایی برخاسته اند که در دوران کودکی مورد بی مهری پدر و مادر فرار گرفته اند .

بطور کلی اجتماع و دستگاههای قضایی در رابطه با

اینند که این عشق و علاقه می بایست عاقلانه و بجا باشد در غیر اینصورت آنها کودک خودخواهی را در دامن خود پرورش خواهند داد.

اصولا "عشق ورزیدن به فرزند در میان تمام جانداران عالم یک امر طبیعی است و هیچ موجودی حاضر نمی شود کودک موجود دیگری را بر فرزند خود ترجیح دهد." می گویند درشتترین بچه در میان جانداران جوجه کلاغ است و در افسانه ای کهن آمده است که روزی به کلاغ گفته

باطل خویش بخاطر اینکه کردند روحی و جسی بر کودکانشان وارد نباید هرکاری را حاضرند برای خوشنود کردن آنها انجام دهند، اینگونه والدین بد تنها خود بلکه انتظار دارند که همه اطرافیانشان در اختیار خواسته های فرزندان آنها باشند و در هر محفلی که می نشینند مایلند که کودک خویش را مرکز توجه آن مجلس نمایند. برای پدر و مادر بسیار دشوار است که از عشق و عواطف خود نسبت به فرزند خویش جلوگیری کنند و غافل از

روحی و عاطفی کودک بد تنها عملی است بسیار دشوار بلکه تواءم با اندوه و افسوس فراوان است. اصلاح تربیتی حتی اگر هم با موفقیت کامل انجام شود باز باعث ناراحتیهای دائم برای اولیاء طفل و اطرافیان می شود. تربیت مجدد هنگامی آغاز می شود که گسستگی نا بهنجاری در نظم و انضباط کودک بوجود آمده باشد. بطوریکه مکررا " بیان گردید در حقیقت این کودک نیست که از دایره انضباط زندگیش خارج می شود بلکه رفتارهای نایجابی والدین و اطرافیان طفل است که یک چنین وضعی را بوجود می آورد. رفتارهای کاذب از دو منبع سرچشمه می گیرد:

- ۱ - تسلیم محض والدین در مقابل فرزندان
- ۲ - اهمیت ندادن والدین به خواست کودکان

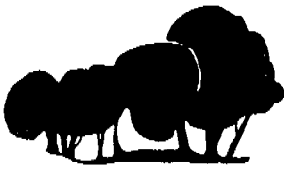
پس به این نتیجه می رسیم که بطور کلی رفتار شخصی والدین عامل تعیین کننده در پیشبرد اهداف تربیتی کودک می باشد. تعدادی از والدین در مقابل خواسته های کودکان یارای مقاومت ندارند و به خیال



است که تربیت کودکان مستلزم لحن "کاملاً" جدی، "کاملاً" ساده و "کاملاً" صادقانه و صمیمی است. حقیقت زندگی باید با این سه صفت عجیب شود.

دروغگوئی و تصنع کار تربیتی راه عدم موفقیت محکوم خواهد ساخت البته این بدان معنی نیست که در محیط خانواده بایستی همیشه اخم کرده و دارای قیافه گرفته ای بود، بلکه بایستی صادق و صمیمی بود و کودکان را به موقع خود کمک و رهبری نمود.

علی اکبر حسن زاده



نکته دیگر اینکه تربیت بکانه فرزند بمراتب دشوارتر از تربیت چند فرزند است. زیرا در بسیاری از موارد کودک بکانه، بموقعیت استثنائی خویش خو گرفته و به یک فرد مسبد و فرمانروای کامل واقعی در خانواده مبدل می گردد. این یک امر محالی است که آدم نادرست بتواند فرزندسان در سنگار پرورش دهد زیرا جزئیات و اعمال والدین از چشم کودکان هرگز پوشیده نمی ماند در این صورت قبل از هر چیز خود والدین می بایست از اصلاحات و بیزه‌های، از لحاظ گفتار، کردار و برخاشگری برخوردار باشند و سعی کنند صفات و رفتار عالی به بشری را در زندگی روزمره خود داشته باشند تا فرزندان تیسر به تبعیت از پدر و مادر و مربی خویش موقعیتهای اجتماعی خویش را بارور سازند و روی همین اصل

شد برود سراسر عالم را بکرد و زیباترین بجه را بیاورد، کلاغ بیرواز درآمد و به همه نقاط عالم سرکشید و بجه انواع جانداران را از زیر نظر خویش گذراند، آخرش به این نتیجه رسید که از جوجه خودش زیباتر در جهان وجود ندارد در این صورت فرزند خویش را به نزد آورد.

تعدادی دیگر از پدر و مادرها بخصوص پدرها چنان حکومتی در خانواده خویش پیاده می کنند که اطفال معصوم آن خانواده جرات دم زدن را هم ندارند. بدترین نوع رفتار در خانواده امروزی پدرسالاری یا مادرسالاری است. هر شخص باید بداند که در خانواده خویش ارباب نیست که فرمانش بی چون و چرا اجراء شود بلکه یک عضو خانواده است و دارای مسئولیت و حق اجتماعی است.

الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَاحِينِ الْجَنَّةِ

فرزند صالح گلی است از گل‌های بهشت

رسول گرامی من